

مقدمه

گوشی که در حال حاضر کلیمیان ایران به آن صحبت می کنند از جمله گویشهای ایرانی

است که جزو دسته گویشهای مرکزی ایران به شمار می رود. این گویش امروزه در شهرهای اصفهان، همدان، کاشان، یزد، بروجرد و چند شهر دیگر ایران و نیز در نقاطی در خارج از ایران، چون قفقاز، سمرقند و بخارا رایج است. گفته شده است که گویش فعلی کلیمیان اصفهان، گویش سابق مردم اصفهان بوده که کلیمیان آن را بین خود حفظ کرده اند.^{[1]i} اگر این نظر را بپذیریم می توان آن را نیز در مورد سایر انواع گویش کلیمی در ایران و یا خارج از ایران تعمیم داد و چنین نتیجه گرفت که کلیمیان ایران در هر نقطه که ساکن شده اند حافظ زبان سابق آن ناحیه گردیده اند. راجع به ورود کلیمیان به ایران و تاریخ آن نظریات مختلفی وجود دارد که از عهده این مقاله خارج است.^{[2]i} تنها ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که طبق سرشماری سال ۱۳۵۰، جمعیت کلیمیان اصفهان در حدود ۲۳۰۰ نفر بوده است.^{[3]ii} (آمار جمعیت آنها در سالهای اخیر به دست نیامد).

واژه در گویش کلیمیان اصفهان از نظر ساخت اشتقاقی^{[4]iv} (و نه تصریقی^{[5]v}) به سه نوع

تقسیم می گردد: ساده^{[6]vi}، مشتق^{[7]vii} و مرکب^{[8]viii}.

واژه "ساده" تنها از یک واژک آزاد^{[9]ix} ساخته شده است، مانند *tou* (تاب)^{[10]x}، *teu*

(تب).

واژه "مشتق" علاوه بر یک یا چند واژگ آزاد دارای یک یا چندوند اشتقاقی [11]xi است، مانند

pil-ak (پولک)، gand-a (گندیده).

واژه "مرکب" بیش از یک واژگ آزاد دارد، مانند an-e-buvâ (زن پدر) -bâbâ

bele (پدر بزرگ).

"فعل" چون در مقایسه با سایر انواع واژه ساخت متفاوتی دارد، در این مقاله، در ابتدا افعال

غیر بسیط و سپس سایر انواع واژه مورد بحث قرار می گیرند.

گویش استان بوشهر در تمام مناطق فارسی محلی است که دارای بن مایه لری می باشد. برای مرزبندی انواع گویش منطقه را از لحاظ جغرافیایی به دو بخش تقسیم شمالی و جنوبی تقسیم می کنیم که هر قسمت ویژگی خاص خود را داراست. و دارای تفاوتی اندک می باشد. زبان های عربی نیز در جاهایی مانند بندر عسلویه، کنگان، جزیره شیف، و جزیره شمالی و جنوبی بندر ریگ رایج است.

در همه گویشها واژه های فارسی باستان، اوستایی و پهلوی دیده می شود که بازمانده صرف زبان پهلوی هنوز هم در گویش دشتی (دشتیانی) رایج است. این موضوع نوید تکامل زبان از فارسی قدیم به فارسی نو در منطقه می باشد. حکایت از قدمت و دیرینگی منطقه می کند.

بعلت ارتباط بندری بوشهر با کشورهای عربی و نیز تسلط انگلیسیها هلندیها در منطقه پاره ای واژه های بیگانه دیده می شود که هنوز هم مورد استعمال است. گویش شمالی استان شامل گویش شهرستان دشتستان، گناوه و دیلم می باشد.

گویش جنوبی شامل گویش شهرستانهای تنگستان، دشتی، گنکان و دیر می باشد. خود شهر بوشهر هم اکنون فارسی صحبت می کنند ولی گویش آنها همسو با گویش تنگستان بوده است. گویش شمالی نیز تنوع در عین خود دارد. در شهرستان دشتستان شناسه می در جلو افعال بکار می رود و این واژه ی می در شهرستان گناوه و دیلم تبدیل به ای می شود.

با وجود تضعیف روز افزون زبان ایرانی آذربایجان از زمان غلبه مغول گویش های این زبان به کلی از میان نرفته بلکه هنوز در نقاط مختلف آذربایجان و دیگر نواحی ایران بزرگ بطور پراکنده و غالباً به نام تاتی به آنها سخن می گویند این گویش ها از شمال به جنوب به اجمال عبارتند از:

۱- گویش های تاتی طارم علیا استان زنجان شامل روستاهای: نوکیان، سپاهورود، بندرگاه، کلاسر، هزار رود، جمال آباد، باکلور، چرزه، جیش آباد و قوچان می باشد.

۲- عمده روستاهای بخش شاهرود خلخال شامل: اسکستان، اسبو، درو، کلور، شال، دیز، کرین، لرد، کهل، طهارم، گلوزان، گیلوان، گرد آو، گندم آباد و همچنین کرنق در دهستان خوروش رستم و کجل در بخش کاغذ کنان همان شهرستان.

۳- گویش کرینگان، ازدهات دیزقار خاوری در بخش ورزقان شهرستان اهر.

- ۴- گویش کلاسور لاوینه رود، ازدهات بخش گلپیر شهرستان اهر.
- ۵- گویش گلین قیه ازدهات دهستان هرزند در بخش زنور شهرستان مرند.
- ۶- گویش عنبران در بخش نمین شهرستان اردبیل .
- ۷- گویش های تاتی اطراف کوه رامند در جنوب و جنوب غربی قزوین و طالقان و اشتهارد.
- ۸- گویش های تاکستان، چال، اسفرورین، خیارچ، خوزنین، دانسفان، ابراهیم آباد و سگز آباد که به تاتی خلخال نزدیک اند.
- ۹- گویش های تالش، از الله بخش محله شاندرمین در جنوب تالش شوروی و در شمال ایران که اصولاً به زبانهای تاتی آذربایجان وابسته اند.
- گویش استان بوشهر در تمام مناطق فارسی محلی است که بن مایه لری دارد. برای مرزبندی آن، انواع گویش منطقه را از لحاظ جغرافیایی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می کنند که هر قسمت ویژگی خاص خود را دارد و دارای تفاوت های اندکی است. زبان های عربی نیز در جاهایی مانند بندر عسلویه، کنگان، جزیره شیف و جزیره شمالی و جنوبی بندر ریگ رایج است .
- در همه گویش های منطقه واژه های فارسی باستان، اوستایی و پهلوی دیده می شود که بازمانده صرف زبان پهلوی هنوز هم در گویش دشتی (دشتیانی) رایج است .
- گویش شمالی استان شامل گویش شهرستان دشتستان، گناوه و دیلم است .
- به علت ارتباط بندری بوشهر با کشورهای عربی و نیز تسلط انگلیسی ها و هلندی ها در منطقه،

پاره‌ای واژه‌های بیگانه نیز در گفتار مردم این منطقه شنیده می‌شود.
گویش جنوبی شامل گویش شهرستان‌های تنگستان، دشتی، گنکان و دیر است. مردم در شهر بوشهر هم اکنون فارسی صحبت می‌کنند اما گویش آنها همسو با گویش تنگستانی است.
در شهرستان دشتستان شناسه «می» در جلو افعال به کار می‌رود و این واژه «می» در شهرستان گناوه و دیلم تبدیل به «ای» می‌شود.

می‌کنم؛ ایکنم ekonom

می‌کرد؛ اکرد ekerd

لهجه دشتیانی از قدیمی‌ترین لهجه‌های استان بوشهر است که به وضوح صرف و نحو دستور زبان پهلوی ساسانی هنوز در آن استعمال می‌شود.
ویژگی‌های دستوری یکی از مشخصه‌های گویش‌های جنوبی جایگزینی فتحه‌ها به ضمه است که معمولاً روی شناسه‌های افعال قرار دارند.

رفتم؛ رفتم rafto

دارم؛ دارم rom da

دیدم؛ دیدم didom

همچنین در اسامی نیز اکثراً فتحه به کسره تبدیل می‌شود.

merd مُرد؛ مرد

emin امین؛ امین

ebas عباس؛ عباس

برای ساختن فعل جعلی بعد از بن مضارع شناسه esi به کار می رود که بازمانده ist زبان پهلوی ساسانی است .

xandes خندید؛ خندس

tarses ترسید؛ ترسس

که در زبان پهلوی خندست (xandist) و ترسست (tarsist) بوده است .

صرف افعال در گویش شمالی مانند فارسی نو است ولی در گویش جنوبی یعنی دشتیانی فرق دارد و ضمائر به جای شناسه در ابتدا فعل قرار می گیرد.

صرف فعل شنیدن در گویش دشتیانی

um sed من شنیدم؛ ام اسد

ut esed تو شنیدی؛ اُت اشد

us sened او شنید؛ اُس شنید

mom sened ما شنیدیم؛ مُم شنید

soma seni شما شنیدید؛ شما شنی

آنها شنیدند؛ اونا شنی owna seni

حرف «ب» که در آخر کلمات چند حرفی فارسی بعد از «الف» بیاید و ساکن باشد در گویش

بوشهری بدل به «واو» می شود.

خواب؛ خو xow

آفتاب؛ افتو aftow

دوشاب؛ دیشو disown

کلمات دو حرفی که حرف آخر آنها «ب» است به «واو» تبدیل می شود.

شب؛ شو sow

آب؛ او ow

تلفظ a در آخر واژه‌ها به جای h صامت در اصل پسوند ag فارسی میانه بوده که g افتاده و a

هنوز تلفظ می شود. به عنوان مثال :

خانه را خانگ xana می گفته اند .

در مواردی که کلمه‌ای با فعل معین «ات» «همراه می شود مثل داده است، کرده است، ات تلفظ

نمی شود و کسره به جای «ه» در کرده می نشیند و صورت «ش» جای فعل معین است را می گیرد و

این گونه تلفظ می شود :

داده است؛ دادش dadesh

کرده است کردش kardesh

علامت استمرار

برای ساختن فعل زمان حال به جای علامت استمرار «دارد» پیشوند هی hey یا هاسی hasey به کار می رود .

دارد می نویسد؛ هی می نویسد hasey/hey minevise

دارد می رود؛ هاسی /هی میره hosey/hey mire

منفی کردن افعال

برای منفی کردن افعال، حرف نفی نه را قبل از اسم یا صفت می آورند و فعل معین حذف می شود .

من بلد نیستم؛ م نه بلدُم mo ne beladom

من غریب نیستم؛ م نه غریبُم mo ne geribom

باید توجه داشت این نه که برای منفی کردن به کار می رود فقط جلوی افعال معین (است و هست) قرار می گیرد .

حرف «را» که نشانه مفعول بی واسطه (مستقیم) است در گویش بوشهری وجود ندارد و به جای «را»

کو به کار می رود .

کتاب را بده؛ کتاب کو بده ketab kue bedeh

دفتر را بیاور؛ دفتر کو بیار daftare kue biyar

علامت جمع

در گویش شمالی علامت جمع که «ما» است، ال «al» مورد استفاده قرار می گیرد .

ketabal کتاب‌ها؛ کتابل

udkaral خود کارها؛ خود کارل

deraytal درخت‌ها؛ درختال

تمام واوها به ای «I» تبدیل می شود .

bid بید؛ بید

did دید؛ دید

tenir تنور؛ تنیر

در لهجه بوشهری هنگام صحبت کردن واژه‌ها را معمولاً خلاصه می کنند و برای خلاصه شدن کلام

همیشه چند حرف آن افتاده و مختصر می شود .

mocem من چه می دانم؛ مچم

در گویش جنوبی «ن»های آخر کلمات ادا نمی شود . مثلاً به نان «نو» می گویند.

nu نان؛ نو

zami زمین؛ زمی

در گویش جنوبی همچنین جلو افعال یک «ها» اضافه می شود.

hakon بکن؛ هاکن

بده؛ هاده

گوش

به هریک از گونه‌های یک زبان گوش می‌گویند. گوش‌ها می‌توانند مربوط به یک منطقه ویژه یا طبقهٔ ویژه‌ای از جامعه باشند.

چند گوش با هم یک زبان را تشکیل می‌دهند. گوش را نباید با لهجه اشتباه گرفت. هر گوش خود دارای چند لهجه است.

نمونه :

گوش‌های زبان فارسی: فارسی ایران، فارسی دری، فارسی تاجیکی.

لهجه‌های زبان فارسی: لهجه تهرانی، لهجه اصفهانی، لهجه هراتی، لهجه لاتی ...

گویش های ایرانی

ایران کلباسی گویش شناس، پژوهشگر زبان شناسی و استاد دانشگاه

متولد ۱۳۱۸ اصفهان

-دریافت مدرک کارشناسی ادبیات فارسی ۱۳۴۲

-دریافت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ۱۳۴۶

-دریافت مدرک دکترای زبان شناسی همگانی ۱۳۵۱

-تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تهران، علوم پزشکی ایران، پیام نور و...

-برخی از آثار چاپ شده:

گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلاردشت (رودبارک)، کردی مهابادی، فارسی اصفهانی، زبان

فارسی و زبان های محلی، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، فارسی ایران و تاجیکستان و...

-آثار در دست انجام:

«فرهنگ توصیفی گویش های ایرانی»، «زبان، گویش، لهجه» و...

-مدیریت گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-مدیریت گروه گویش شناسی در انجمن زبان شناسی ایران

-نگارش و چاپ بیش از پنجاه مقاله علمی درباره زبان و گویش های ایرانی

محمد مفتاحی: زبان منشأ ارتباط های انسان است. تلاش جهت دست یافتن به راهی برای برقراری ارتباط با همنوع به کشف توانایی سخن گفتن و سپس تبدیل آن به شکل نوشتاری برای سهولت در ارتباط، همواره یکی از دغدغه های مهم انسان بوده است. هر قومی در هر ناحیه ای که می زیست با توجه به شرایط اقلیمی و تغییراتی که به منظور غلبه بر طبیعت و گاهی سازگاری با آن در اندام و روحیات او پدید آمده بود، دارای زبان و گویش خاصی شد و آن زبان و گویش را به مثابه یکی از مقدسات قومی و فرهنگی برای خود محفوظ داشت. به این ترتیب تمام راههای ارتباط وابسته و وام دار زبان هستند و بدون شناخت و فهم درست از زبان هیچکدام کارآیی و اهمیت ندارند و همین اهمیت زبان است که سبب شده تا از میان شاخه های متعدد علوم انسانی، پژوهش درباره زبان ها و لهجه های ملل مختلف همواره مورد توجه و مهم باشد. از طرفی شناخت زبان ها و یافتن ویژگی های مشترک و متفاوت آنها و بررسی لهجه های مختلف یک زبان اکتشافی لذت بخش است و همین امر سبب می شود که انسانهایی با مطالعه و فرهیخته عمر گرانیمایه در این راه صرف کنند و علاوه بر لذتی که از تحقیقات علمی خود می برند، به گسترش و حفظ حیات زبانی، که همچون همه موجودات زنده احتمال بیماری و مرگ تهدیدش می کند یاری رسانند. دکتر ایران کلباسی یکی از محققان پرتلاش و خستگی ناپذیر در این زمینه است.

ایران کلباسی، پژوهشگر و زبان شناس سال ۱۳۱۸ در اصفهان به دنیا آمد، دوران ابتدایی و دبیرستان را در همان شهر و در دبستان دانش و دبیرستان شاهدخت سابق به پایان رسانید، سال ۱۳۳۹ وارد

دانشگاه شیراز شد و گواهینامه کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۲ گرفت. سپس در سال ۱۳۴۶ مدرک کارشناسی ارشد و سال ۱۳۵۱ مدرک دکترای خود را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران دریافت کرد. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد او «فارسی اصفهانی» و پایان نامه دکترای او «گوش کردی مهابادی» است. او در سال ۱۳۳۷ با عنوان آموزگار به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و حدود شانزده سال در دبستان های اصفهان، شیراز و دبیرستان های تهران به تدریس مشغول بود. کلباسی همچنین در طول این شانزده سال سمت هایی را از قبیل معاونت و ریاست دبیرستان و نیز ریاست انستیتویی که معلم تربیت می کرد، به عهده داشته است. این فعالیت ها همواره همراه با علاقه اصلی وی؛ یعنی مطالعه و بررسی گوش های ایرانی به صورت برنامه غیرموظف انجام شده است. دکتر کلباسی در سال ۱۳۵۳ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران یا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فعلی منتقل شده و از آن پس در رشته مورد علاقه اش؛ یعنی مطالعه گوش ها به صورت جدی به فعالیت پرداخته و همزمان در دانشگاه های شهید بهشتی، پیام نور، الزهراء، تهران، علوم پزشکی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تدریس کرده است. در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۶ از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای استفاده از فرصت مطالعاتی عازم کشور انگلستان شد و در مدرسه مطالعات آسیایی و آفریقایی لندن (SOAS) به تحقیق و مطالعه پرداخت. او هم اکنون علاوه بر تدریس و پژوهش، مدیر گروه

گوش شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز مدیر گروه گوش شناسی انجمن زبان شناسی ایران نیز هست و تألیفات فراوانی نیز در حوزه مطالعاتی اش داشته است.

یکی از کتابهای دکتر ایران کلباسی «گوش کلیمیان اصفهان» است. در پیشگفتار این کتاب آمده است که گویی که کلیمیان ایران در حال حاضر با یکدیگر به کار می برند، از گویش های سابق ایرانی است که کلیمیان ایران آن را حفظ کرده اند.

این کتاب در سه فصل تهیه شده و فصل اول آن به بررسی آواشناختی و واج شناسی اختصاص دارد. در این فصل به مطالبی از قبیل واج ها و انواع آنها، هجا، تکیه، فرآیندهای آوایی و برخی از تفاوت های آوایی بین این گوش و فارسی استاندارد پرداخته شده است، فصل دوم اختصاص به ساخت واژه دارد در این فصل انواع واژه از نظر ساخت تعریفی و اشتقاقی و نیز واژه بست ها مورد بررسی قرار گرفته اند.

در فصل سوم که به ساخت جمله اختصاص دارد انواع جمله از نظر گروه و بندهای (جمله ساده) تشکیل دهنده آنها و نیز از نظر وجه و آهنگ بررسی شده اند. از ویژگی های این کتاب ملحقات

آن است که تعدادی جمله، فهرستی از افعال همراه با ستاک حال و ستاک گذشته و صورت هایی از تعریف آنها و نیز فهرستی از واژگان این گوش آورده شده است. این کتاب یکی از منابع مهم در شناسایی و آشنایی بیشتر با گوش های ایرانی است.

از دیگر آثار دکتر کلباسی در زمینه معرفی گوش های ایرانی می توان به «گوش کلاردشت و

رودبارک» اشاره کرد. در این کتاب مؤلف ابتدا اطلاعاتی درباره مازندران، گیلان و کلاردشت از نظر تقسیمات جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و ویژگی های خاص این منطقه به مخاطب ارائه می کند و سپس در سه فصل به بررسی گویش مردم این نواحی می پردازد. در فصل اول به بررسی های آواشناختی و واج شناختی پرداخته شده و فصل دوم و سوم به ترتیب به ساخت واژه و ساخت جمله اختصاص دارد. در بخش ملحقات این کتاب هم تعدادی جمله به گویش مردم کلاردشت، ترانه های محلی، ضرب المثل ها، فهرست افعال ساده و مشتق (افعال پیشوندی) و واژگان این گویش آمده است.

«کردی مهابادی» عنوان کتاب دیگری از ایران کلباسی در راه شناخت لهجه های مختلف ایران است. با توجه به اینکه مهابادی را لهجه معیار کردی می دانند و نسبت به بقیه انواع کردی استانداردتر است وی در این کتاب درباره ساخت آوایی و دستوری آن تحقیقات خود را به ثبت رسانده است. «کردی مهابادی» که عنوان پایان نامه دکترای اوست، از لحاظ علمی و از نوع تازگی تحقیق اهمیت ویژه ای دارد. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد او «فارسی اصفهانی» است. لهجه اصفهانی همچون لهجه های تهرانی، شیرازی، کرمانی و... یکی از لهجه های فارسی معیار است که تفاوت هایی هم با آن دارد. کلباسی در این کتاب به بررسی تفاوت های آوایی و واژگانی این لهجه با فارسی معیار پرداخته است. عنوان کتاب دیگر او در این زمینه فارسی ایران و تاجیکستان است. نامبرده در این کتاب ضمن سفری که به تاجیکستان داشته فارسی رایج در تاجیکستان را با

فارسی ایران مقایسه و شباهت ها و تفاوت های آنها را به طور مفصل بیان کرده است.

ایران کلباسی معتقد است: «درحالی که همه ظاهراً برای حفظ و بررسی گویش ها دل می سوزانند ولی هیچ اقدام اساسی و برنامه ریزی شده ای برای این امر مهم انجام نمی دهند. همچنین در برنامه ریزی های آموزشی عملاً درسی با عنوان «گویش های ایرانی» وجود ندارد و تنها در برنامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی درسی اختیاری و نه اجباری با این عنوان ارائه می شود که چون جدی گرفته نمی شود، دانشجویان تمایلی به انتخاب این درس ندارند.»

علاوه بر چاپ کتابهایی درباره گویش های ایرانی کتاب مهم دیگری از ایران کلباسی به چاپ رسیده است با نام «ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز». در پیش گفتار این کتاب می خوانیم:

«مسأله واژه سازی و گزینش واژه های فارسی در برابر واژه های بیگانه سالهاست که مورد توجه ایرانیان قرار گرفته است و این امر در سازمان هایی از قبیل فرهنگستان، ارتش، مؤسسات تحقیقاتی به طور گروهی و یا توسط نویسندگان و مترجمان به طور انفرادی صورت گرفته و همچنان ادامه دارد. کتاب حاضر تلاشی است در جهت هموارتر کردن این راه نه چندان هموار.» در این کتاب که از چهار فصل و ملحقات تشکیل شده است ضمن تعریف برخی از مباحث نظری مانند: صرف، اشتقاق، واژه و ... و پرداختن به انواع کلمه، واژه بستها و وند های تعریفی فارسی و عربی در فارسی و واژه های مرکب در نهایت انواع واژه های مشتق و وندهای اشتقاقی فارسی معرفی شده است.

ایران کلباسی علاوه بر چاپ و انتشار هفت کتاب علمی و ۵۲ مقاله تحقیقی در زمینه زبان فارسی و

گوش های ایرانی که بسیاری از آنها را در همایش های داخلی و خارجی به صورت سخنرانی هم ارائه کرده است در حال حاضر دو کار پژوهشی عظیم در دست انجام دارد. یکی «فرهنگ توصیفی

گوش های ایرانی» که هر چند کار گروهی را می طلبد ولی او چندین سال است که به تنهایی مشغول انجام آن است و تاکنون مدخل های بسیاری از این فرهنگ را آماده کرده است. پژوهش

دیگر این پژوهشگر خستگی ناپذیر و پرتلاش کتابی با عنوان «زبان، گوش و لهجه» است که

مراحل مقدماتی چاپ را می گذراند. در این کتاب وی علاوه بر مطالب نظری راجع به

گوش شناسی، متن واحدی را به صورت یک داستان کوتاه به بسیاری از لهجه ها و گوش های

ایرانی برگردانده و آنها را با هم مقایسه کرده است تا شباهت ها و تفاوت های آنها را شناخته و از

این راه بتواند به دسته بندی لهجه ها و گوش های ایرانی پردازد. او معتقد است که این نوع

پژوهش در زمینه گوش شناسی کاری تازه است که تاکنون انجام نگرفته و برای شناخت کامل و

همه جانبه از گوش ها مفید و ضروری است.

ایران کلباسی مقاله های فراوانی هم در زمینه گوش شناسی نوشته که در نشریه های تخصصی

زبان شناسی و ادبیات در ایران و خارج از ایران به چاپ رسیده است و برای نمونه می توان به این

موارد اشاره کرد: «شباهت ها و تفاوت های گوش های گیلکی، مازندرانی و تالشی، دستگاه فعل

در گوش لاری، ویژگی های شاخص گوش سمنانی، وندهای گویشی و واژه سازی، ارگتیو در

زبان ها و گوش های ایرانی، تنوع زبان ها و گوش های ایرانی، راهنمای گردآوری گوش های

ایرانی، نشانه استمرار در لهجه ها و گویش های ایرانی، حالت در زبان ها و گویش های ایرانی و جاننداری و بی جانی در گویش های ایرانی.»

عشق و علاقه بی حد و مرز ایران کلباسی به مطالعه زبان ها و گویش های ایرانی او را به عمری پژوهش در این زمینه واداشته و کار را به جایی رسانده است که از او به عنوان مرجعی در گویش شناسی ایران یاد می شود.

گویش بختیاری

زبان بومی ایل بختیاری یا گویش لری بختیاری: از گویش های جنوب غربی ایران است و متناسب با شرایط زیستی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگ بومی این قوم سامان و غنا یافته است. راولینسون در سفرنامه خود می نویسد: «تاکنون این گویشهای رایج در منطقه زاگرس را بازمانده زبان پهلوی می دانستند ولی به نظر می رسد زبان لری از فارس باستان مشتق شده است که هم زمان با زبان پهلوی به صورت جداگانه با آن تکلم می شده است». محسن فارسانی در مقدمه دیوان ملا زلفعلی بختیاری می نویسد: «حاکم این منطقه به لحاظ کوهستانی بودن از هجوم اقوام بیگانه مصون مانده و گویش آنان کمتر با زبان ترکی و عربی مخلوط شده است». وی این گویش ظریف را از مشتقات نزدیک زبان پهلوی می داند. این سخن در کل درست است. گویش بختیاری از جمله گویشهای جنوب غربی ایران - شاخه لری - به شمار می رود، گویشهای لری تفاوتهایی باهمدیگر دارند - این تفاوتها بیشتر با لریهای لرستان فیلی مصداق می یابد اما با لرستان

جنوبی به ویژه در استان کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی اختلاف چندان چشمگیر نیست. مجموعاً گفته می‌شود زبانهای لری نزدیکترین همسایه و همدسته زبان فارسی هستند.

گویش بختیاری مانند اکثر گویش‌های دیگر کشورمان لهجه‌های متعدد دارد که به طور کلی از نظر جغرافیایی می‌توان آن را به چهار نوع گویش تقسیم نمود:

اول: منطقه شرقی که قسمتی از دنباله رودخانه کارون را شامل می‌شود و همسایه کوه گیلویه و بویر احمد است و طبعاً از گویش بویر احمدی تأثیر پذیری داشته است. مثلاً تمام بختیاری‌ها به «شما» می‌گویند «ایسا» (iSA) اما در آن منطقه بر اساس گویش بویر احمد می‌گویند «ایشا» (ishA)

دوم: منطقه جنوبی که بیشتر طایفه مکوندی را در بر می‌گیرد و از رود زرد تا رامهرمز و هفتکل است و تحت تأثیر گویش طایفه بهمئی قرار گرفته است.

سوم: منطقه چهار لنگ که از فریدن تا دورود را شامل می‌شود. اگرچه در این منطقه تأثیر پذیری صورت نگرفته است اما در بعضی واژه‌ها فطرتاً و از روزگار دراز این تفاوت وجود داشته است. مثلاً به عمو می‌گویند تتا در حالی که در مناطق دیگر به عمو می‌گویند تاته

چهارم: بختیاری میانی که شامل کلیه هفت لنگ (که از الیگودرز شروع و تا مناطق جنوبی ادامه دارد) و قسمتی از چهار لنگ کیان ارثی است. گویش حالت اصلی خودش را داشته و روان و یک‌دست است و اختلاط با واژه‌های بیگانه کمتر در آن صورت گرفته است.

حروف ویژه در گویش بختیاری

در بختیاری حروفی وجود دارد که در فارسی رایج تلفظ نمی شوند. شاید آن‌ها بازماندگان فارسی پهلوی باشند.

ذال معجم: حرف «د» وقتی که پس از a, A, o, A, e, i, y بیاید به گونه‌ای دیگر تلفظ می شود («A» را «آ» فرض کنید و «a» را «فتحه») تلفظ به این طورت است که قسمت زیرین نوک زبان با دندانهای پیش فک زیرین تماس شده اما با دندانهای پیش فک بالا تماس بسیار نامحسوس است. اما «د» پس از صامت‌ها به همان صورت معمول تلفظ می شود.

هء میان تهی: گونه‌ای «ه» است که با تلفظی نرمتر از «ه» تلفظ می شود. مانند پهل (pohl) به معنی پُل

واو غنه: کلمه «نو» در فارسی رایج تقریباً با واو غنه تلفظ می شود. در گویش بختیاری برخی کلمات با این

واو تلفظ می شوند. مثل non (یعنی نان)

ضمایر

ضمایر شخصی منفصل:

مو (mo) ... من

تو (to) ... تو

هو (Ho) ... او/آن

ایما (imA) ... ما

ایسا (isA) ... شما

هونو/اونو (ono/hono) ... آنها

ضمایر ملکی متصل:

أَم (-om) تَوْرُوم (tavarom) تبرم (تبر من)

إِت (-et) تَوْرِت (tavaret) تبرت

إِس (-es) تَوْرِس (tavares) تبرش

إِمُون (-emun) تَوْرِمُون (tavaremun) تبرمان

إِتُون (-etun) تَوْرِتُون (tavaretun) تبرتان

إِسُون (-esun) تَوْرِسُون (tavaresun) تبرشان

اسامی مختوم به مصوت هنگام گرفتن ضمیر ملکی متصل تنها m یا t یا s یا mun یا tun و یا sun

می گیرد. مثل:

دام (dAm) مادرم

داسون (dasun) مادرشان

-

ضمایر اشاره:

یو (yo) این

هو (ho) آن

یونو (yono) اینها

هونو (hono) آنها

زمان افعال

مضارع اخباری:

شناسه + بن مضارع + e-

مثلاً خَرَدَن (xardan) به معنی خوردن بن مضارعش (خور) (XOR) است:

می خورم: اِخوَرُم (exorom)

می خوری: اِخوَرِی (exori)

می خورد: اِخوَرِه (exore)

می خوریم: اِخوَرِیم (exorim)

می خورید: اِخوَرِین (exorin)

می خورند: اِخوَرِن (exoren)

مضارع التزامی: دستور ساختش مثل فارسی است

ماضی مطلق: دستور ساختش مثل فارسی است (شناسه + بن ماضی)

ماضی استمراری: شناسه + بن ماضی + e-

مثل: اِخَرَدُم (exardom) می خوردم

ماضی نقلی: -e + ماضی مطلق

خورده‌ام: خَرْدُمِه (xardome)

خورده‌ای: خَرْدِيَه (xardiye)

خورده است: خَرْدِه (xarde)

خورده‌ایم: خَرْدِيْمِه (xardime)

خورده‌اید: خَرْدِيْنِه (xardine)

خورده‌اند: خَرْدِيْنِه (xardene)

ماضی بعید: مثل فارسی است فقط به جای «بود» از «بید» استفاده می‌شود. مثلاً:

خورده بودند = خَرْدِه بِيْدِن (xarde biden)

آینده: برای بیان زمان آینده معمولاً همان مضارع اخباری به کار می‌رود

نفی مضارع اخباری:

نمی‌خورم: نِيخُوْرَم (nixorom)

نمی‌گویم: نِيگَم (nigom)

